

بررسی ابعاد حقوقی امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

۲۱۷ ^a ستار شیرعالی*
محمود باقری**
حسن بادینی***

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیستم / شماره ۸۰ / زمستان ۱۳۹۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکداری در هر کشور، وصول به موقع تسهیلات پرداختی به مشتریان است. در همین راستا، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با تمسک به مبانی فقهی و حقوقی، به منظور به کارگیری ابزارهای حقوقی و قانونی کارآمد و اعمال مساعدت و نیز جلوگیری از بروز مشکلات اقتصادی و یا کاهش آثار ناشی از عدم پرداخت به موقع مطالبات، اقدام به انعقاد قراردادهای امهال دین با تقسیم‌بندی عقود به مشارکتی و غیرمشارکتی می‌نمایند که امهال مطالبات ناشی از عقود مشارکتی از طریق تمدید قرارداد، قبل و پس از سررسید قرارداد امکان‌پذیر است. در قراردادهای مبتنی بر عقود غیرمشارکتی نیز امهال مطالبات از طریق تقسیم مجدد و تجدید قرارداد صورت می‌پذیرد. بررسی‌های این مقاله حاکی از آن است که امهال مطالبات غیرجاری در مسیر مقررات‌گذاری و اجرایی با چالش‌هایی چون علل ایجاد مطالبات غیرجاری، عدم توجه به ظرفیت‌های حقوقی عقود جایگزین و نیز عدم تخصص‌گرایی مراجع قضایی و تشتت احکام قضایی مواجه است که برای برون‌رفت از این چالش‌ها اصلاح متون قراردادی، بازنگری در مقررات بانکی و جلوگیری از تعدد مراجع قانونگذاری و نیز ایجاد شعب تخصصی محاکم قضایی امری ضروری است.

واژگان کلیدی: امهال، استمهال، مطالبات غیرجاری، حقوق بانکی.

طبقه‌بندی JEL: G29, E59, Z19.

*. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Email: sshialy55@yahoo.com.

** . دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mahbagheri@ut.ac.ir.

Email: hbadini@ut.ac.ir.

***. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در نظام بانکداری ایجاد تعهدات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مبتنی بر میزان و سررسید مطالبات آنان است. بدیهی است تأخیر در وصول مطالبات از جمله چالش‌های جدی است که اصول و سیاست‌های کلان این نظام را با دشواری مواجه ساخته و حداقل اثر آن افزایش ذخایر اضافی جهت احتیاط، کاهش سودآوری و کارایی و کاهش میزان وام‌دهی نظام بانکی است.

۲۱۸

بنابراین امروزه بخش اعظمی از پرونده‌های مطروحه در محاکم قضایی مربوط به پرونده‌های نظام بانکی به شمار می‌آید که در آنها علاوه بر به مخاطره افتادن منافع بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و ذینفعان، مصرف‌کنندگان تسهیلات بانکی را نیز با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد ساخت.

لازم است ذکر شود، در زمینه موضوع حاضر مقالات ارزنده‌ای به رشته تحریر در آمده است؛ به‌طور مثال، موسویان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان «ظرفیت عقود جهت امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی بدون ربا» به بررسی عقود متداول در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری پرداخته و علل به‌وجود آمدن مطالبات غیرجاری را عدم انطباق وثایق و تضمینات، محدودیت‌های فنی و تخصصی در زمینه اعتباری، فرایند نامناسب نظارت بر مصرف تسهیلات و وصول مطالبات، سیاست‌های ناقص تعیین نرخ سود و وجه التزام، الزامات و محدودیت‌های قانونی، شرایط اقتصادی کشور و عدم اعتبارسنجی برشمرده است. همچنین، ابزارهای امهال مطالبات غیرجاری را به سه نوع تقسیم کرده است: نوع اول، قراردادهایی است که قابلیت تمدید دارند؛ نوع دوم قراردادهایی که قابلیت تجدید دارند و نوع سوم قراردادهایی که باید تبدیل شوند. در پایان نیز در این مقاله عدم تفکیک عوامل و برخورد یکسان با مشتریان متخلف و معسر به عنوان آسیب جدی در موضوع امهال مطالبات غیرجاری برشمرده شده است و نیز انعقاد قراردادهای اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و مشارکت مدنی برای برون‌رفت از چالش‌های قراردادی به سیستم بانکی پیشنهاد شده است.

همچنین حیدری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی روش‌های امهال بدهی معوق مشتریان در بانکداری بدون ربا» عقد مشارکت کاهنده را به عنوان یک

عقد اسلامی که برای استمهال مطالبات اشخاص شرکت‌ها و بدهکاران دولتی استفاده می‌شود را پیشنهاد داده است و اختصاصاً برای حل مشکل بدهکاران دولتی راهکار فروش اوراق تسویه و صکوک اجاره و اسناد خزانه را پیشنهاد و در پایان بیان می‌کند که یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در این خصوص می‌شود پیشنهاد داد همان عقد مشارکت کاهنده تدریجی و اوراق مذکور است که تاکنون در سیستم بانکی استفاده نشده است.

بدین ترتیب در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

۱. شیوه‌های وصول مطالبات معوق در نظام بانکداری اسلامی چیست؟ ۲. سیاست‌های اجرایی امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکداری ایران چیست؟ ۳. ایجاد مطالبات غیرجاری با چه چالش‌های مواجه است؟ بدین ترتیب ضمن بررسی حقوقی سؤالات مطروحه فرضیه ذیل ثابت می‌شود:

در نظام بانکی شیوه‌های امهال همچون عقود مشارکتی، مرابحه، خرید دین، سلف، اجاره به شرط تملیک و ... به عنوان ابزارها و آثار امهال دین برشمرده می‌شود که در مسیر اجرا با کاستی‌ها و محدودیت‌هایی از جمله عدم توجه به ظرفیت‌های عقود جایگزین مواجه بوده که بعضاً منجر به ابطال قراردادها با توجیه عدم قصد و صوری بودن قراردادهای جایگزین می‌شود. همچنین قضات شعب رسیدگی‌کننده به دعاوی مزبور اصولاً تخصص لازم در رسیدگی به موضوعات بانکی به جهت تعدد مستندات و شیوه‌نامه‌های مربوطه را نداشته و ناگزیر به ارجاع پرونده به کارشناسان رسمی دادگستری و استعلام موضوع از بانک مرکزی می‌باشند که در این موارد نیز تشتت آرا را در پی دارند و نیز عدم توجه به ظرفیت‌های عقود جایگزین ابهامات دستورالعمل‌های اجرایی، عدم تخصص‌گرایی مراجع قضایی و نیز تشتت آرا به عنوان آسیب‌ها بازشناسی شده است.

مفهوم شناسی

۱. امهال دین

امهال در لغت به معنای مهلت‌دادن آورده شده است و مهلت نیز به معنای زمان، اجل، مدت و نیز فرصت می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸۴۰)؛ در مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ذیل این

واژه آمده است: «امهال مدیون مهلت دادن است به بدهکار در اجرای تعهداتش، مهلت را بستانکار او و یا دادگاه می دهد. در ضمان تضامنی امهال مدیون اصلی مستلزم امهال به ضامن است» (لنگرودی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۴۹)؛ بر اساس این تعریف در نظام بانکی، قرارداد امهال دین پس از موافقت بانک با درخواست مدیون - در مقطع زمانی پس از سررسید قرارداد - در خصوص اعمال مساعدت و توقف اقدامات حقوقی به منظور تسویه دین، امکان در نظر گرفتن مدت زمانی از پیش تعیین شده در راستای وصول مسالمت آمیز مطالبات بانک با استفاده از ابزارهای اعتباری بانک منعقد می گردد.

به موجب دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری در تعریف امهال آمده است: «توافق مؤسسه اعتباری با مشتری به منظور اعطای مهلت بیشتر برای بازپرداخت، با ترتیباتی متفاوت از قرارداد اولیه. تقسیط مجدد، تمدید، تجدید، تبدیل قرارداد و نظایر آن به تشخیص بانک مرکزی از مصادیق امهال محسوب می گردد».

۲. استمهال

در لغت به معنای مهلت خواستن است. در لغت نامه دهخدا/ ذیل این واژه آمده است: استمهال مهلت خواستن، زمان خواستن، درنگی خواستن، طلب مهلت کردن، زمان طلبیدن، استنظار (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸۳). در مبسوط در ترمینولوژی حقوق، نیز ذیل این واژه آمده است: «مهلت خواستن، درنگ خواستن...» (لنگرودی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۵۳)؛ در واقع در این موضوع استمهال به معنای تقاضای بدهکار برای مهلت دادن به وی برای پرداخت بدهی خود است. البته در نگاه عامه اغلب مفهوم امهال و استمهال با یکدیگر خلط شده و در واقع مهلت دادن را استمهال تلقی می کنند؛ در حالی که استمهال در ادبیات حقوق بانکی به معنای طلب مهلت کردن از سوی بدهکار بوده و امهال اعطای مهلت از سوی بانکها و مؤسسات اعتباری.

۳. مطالبات غیرجاری

مطالبات معوق یا غیرجاری در عرف بانکداری به آن دسته از مطالبات گفته می شود که از عدم پرداخت اصل و سود و یا اقساط آن در سررسید بیش از دو ماه گذشته و شامل مطالبات سررسید گذشته معوق و مشکوک الوصول می باشد. در دستورالعمل کمیته بال (See: Prudential treatment of problem assets – definitions of non-performing exposures

and forbearance). در خصوص مطالبات غیرجاری آورده شده است: مطالبات غیرجاری به تمامی مطالباتی اطلاق می‌شود که تمام یا قسمتی از آن غیرجاری شده است؛ مانند بهره پرداخت نشده. موارد زیر در طبقه غیرجاری طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) تمام مطالبات نکول شده بر اساس چارچوب بال؛ ب) تمام تسهیلاتی که کاهش ارزش اعتباری یافته‌اند (تسهیلاتی که دچار تعدیل منفی ارزش خود به دلیل کاهش اعتبار می‌شوند) بر اساس چارچوب حسابداری؛ ج) سایر مطالباتی که نکول نشده و یا کاهش ارزش نداشته‌اند؛ اما تسهیلات بااهمیتی که بیش از ۹۰ روز از سررسید آن سپری شده باشد.

شیوه‌های وصول مطالبات معوق در نظام بانکداری اسلامی

در نظام بانکداری ربوی چنانچه اقساط بدهی در سررسید معین صورت نگیرد با توجه به درصد سودی که در قراردادهای بانک مقرر شده است، استفاده‌کنندگان تسهیلات باید برای مدت تأخیر نیز بهره دیون خود را بپردازند. بر مبنای این نظام، بدهکاران به دلیل افزایش میزان بدهی خود عملاً توان پرداخت را از دست داده و همین امر موجب رشد مطالبات معوق نظام بانکی می‌شود. از همین جهت، در نظام بانکداری بدون ربا جایگزینی سود مشروع طراحی گردید. در این نظام، بر اساس آموزه‌های اسلام به طراحی ابزارها و روش‌های پرداخت که از مشروعیت و کارایی لازم برخوردار باشند، پرداخته می‌شود. تخصیص منابع بانکی در بانکداری بدون ربا در قالب چهار دسته عقد قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم اتفاق می‌افتد (صمصامی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

در نظام بانکداری اسلامی حذف ربا از عملیات بانکی و اندیشیدن معاملات منطبق بر فقه و حقوق اسلامی به عنوان هدف مشترک و اساسی مدنظر قرار گرفته است. با این همه «بانکداری اسلامی در تمام کشورها در چارچوب دوگانه اجرایی می‌شود. علاوه بر این، در کشورهای اسلامی مختلف انواع شیوه‌ها برای تجهیز و تخصیص منابع استفاده می‌شود که هرچند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، اما مشابهت‌هایی نیز وجود دارد که نمی‌توان از آن غافل بود: اولاً، در اکثر بانک‌های اسلامی مورد بررسی جهت تجهیز سپرده‌های سودده از عقد مضاربه استفاده می‌شود؛ ثانیاً، در تخصیص منابع به‌طور عمده از عقود مبادله‌ای مانند مرابحه و اجاره به شرط تملیک استفاده می‌شود؛ ثالثاً، تمامی بانک‌های مورد بررسی دارای شورای

فقهی هستند و تک تک محصولات آنها به تأیید این شورا می‌رسد؛ نهایتاً در تمام بانک‌های مورد بررسی منابع حاصل از جریمه تأخیر به عنوان سود بانک به حساب نمی‌آید و صرفاً به فعالیت‌های خیریه اختصاص می‌یابد - بنابراین بانک، هیچ نفعی از جریمه دیرکرد نمی‌برد - (میسسی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، ص ۱۲۴-۱۳۰).

بازشناسی سیاست‌های تقنینی و اجرایی امهال مطالبات غیر جاری

در نظام حقوقی ایران به موجب مواد ۲۷۷ و ۲۵۶ قانون مدنی به اعطای مهلت عادلانه و قرار تقسیط تصریح گردیده که به موجب این مواد دادرس می‌تواند گذشته از وضع مالی مدیون بر مبنای شرایط ضمنی و بنایی دو طرف مهلت یا قرار اقساط در نظر بگیرد. همچنین در مواد ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت در باب اسناد تجاری مقرر داشته است محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات و سفته و چک و تأدیه وجه را تقسیط نمایند.

از جمله تمهیداتی که نظام بانکداری برای مقابله با مطالبات معوق به کار بسته، امهال مطالبات غیر جاری است. مساعدت و توقف اقدامات حقوقی و اجرایی به منظور تسویه دین، امکان در نظر گرفتن مدت زمانی از پیش تعیین شده در راستای وصول مسالمت‌آمیز مطالبات بانک با استفاده از ابزارهای اعتباری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مهیا می‌گردد. در حال حاضر رویه‌ای که در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اعمال می‌گردد عبارت است از:

الف) تمدید تسهیلات؛

ب) تقسیط مجدد زمان پرداخت اصل و بهره تسهیلات؛

پ) اعطای دوره جدید یا تجدید دوره تنفس (دوره عدم پرداخت)؛

ت) قرارداد جدید یا احیاء؛

ث) بخشش؛

ج) تبدیل تسهیلات کاهشی به تسهیلات بهره‌ای؛

چ) آزاد کردن وثایق یا پذیرش وثایق با ارزش کمتر؛

ح) امکان تبدیل بدهی مشتری حقوقی به حقوق صاحبان سهام.

این تأسیس‌های ارفاقی به موجب قوانین و مقررات بانکی ایران و نیز طی دستورالعمل‌های مربوط به شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و واحدهای ستادی وصول مطالبات ابلاغ و اجرا می‌شود.

همچنین بر اساس طرح بانکداری اسلامی که کلیات آن در تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، فارغ از ایرادات این طرح خوشبختانه در ارتباط با موضوع امهال تسهیلات بانکی به موجب ماده ۱۲۳ اشعار می‌دارد: «اعطای مهلت به مشتری بدحساب یا عقد قرارداد جدید با هدف تسهیلات اعطایی سررسید گذشته نباید منجر به دریافت سود مرکب و جریمه مضاعف از بدهکار شود. دستورالعمل امهال یا تمدید مطالبات سررسید گذشته به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی می‌رسد». همچنین در باب مقررات ویژه اعطای تسهیلات مواد ۱۰۸ الی ۱۱۹ تعیین تکلیف نموده است که در صورت تصویب و اجرای این قانون می‌توان مدعی بود که بسیاری از ایرادات و ابهامات موجود که منجر به تشتت تصمیمات اجرایی و قضایی می‌گردد، مرتفع خواهد شد.

بنابراین در یک نگاه کلی امهال مطالبات غیرجاری به دو شیوه ابلاغی و نیز رویه جاری بانکی صورت می‌گیرد که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

۱. شیوه‌های ابلاغی

از جمله راهکارهایی که برای امهال دیون و تسهیلات و اعتبارات غیرجاری بانکی استفاده می‌شود، ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. به موجب بخشنامه بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ از عقود اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین به عنوان شیوه‌های امهال دین نام برده شده؛ چراکه این عقود کمتر با شائبه اعطای تسهیلات صوری مواجه بوده است؛ اما آنچه اتفاق افتاد ادامه روند تعیین تکلیف وفق مقررات و بنا به رویه قبلی بانک‌ها بود و جابه‌جایی‌های قبلی در بخش تولید کماکان انجام و در بخش اقتصادی، صنعت و کشاورزی به مرحله اجرا درآمد و در آمارهای ارائه شده بانک مرکزی منعکس گردید.

همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، در بند ۲۹ قانون بودجه صرفاً در بازه زمانی فروردین تا اسفندماه سال ۱۳۹۱ تجدید و تبدیل مجاز دانسته شده بود؛ ولی «دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری» که توسط بانک مرکزی تدوین و با عنایت به ابعاد فقهی آن پس از تأیید عدم مغایرت آن با شرع اسلام متعاقباً در شورای پول و اعتبار مطرح و در یک هزار و دویست و هفتاد و ششمین جلسه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۵ تصویب گردید، مهلت زمانی در نظر گرفته نشده و تجدید و تبدیل - برای اولین بار - به عنوان ابزارهای امهال مجاز شناخته شده است. از تفاوت‌های قابل ذکر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. در بند ۲۹ حداکثر مدت مجاز امهال (مدت قرارداد جدید) قید نشده بود؛ ولی در دستورالعمل امهال سقف ۵ سال در نظر گرفته شده است.
۲. در بند ۲۹ پس از جابه‌جایی چون قرارداد جدید منعقد و شماره قرارداد جدید ارتباطی با قرارداد قبلی نداشت بلافاصله به طبقه جاری انتقال می‌یافت؛ ولی در دستورالعمل امهال اخیر تأکید شده که پس از وصول حداقل ۲۰ درصد از کل طلب و به ازای هر ۶ ماه بازپرداخت منظم و به‌موقع مطالبات را بر یک طبقه امهالی متناظر منتقل نماید.
۳. در بند ۲۹ صراحتاً عقود خاصی در نظر گرفته نشده بود و بعدها خرید دین، سلف و اجاره به شرط تملیک توصیه شد؛ ولی در دستورالعمل امهال سال ۱۳۹۸ عقود مشارکتی و غیرمشارکتی برای تبدیل قرارداد عقود تعیین شده‌اند؛ به‌طور مثال در مشارکت مدنی، عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین مجاز شناخته شده است. در عقد مضاربه از فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین و در عقد فروش اقساطی، عقود اجاره به شرط تملیک، مرابحه و استصناع مجاز است.

و نیز به موجب اراده نظام بانکداری اسلامی ایران در راستای شفاف‌سازی امهال مطالبات و نظام‌مند نمودن فرایند امهال مطالبات غیرجاری و نیز برون‌رفت از چالش‌های اجرایی و تشتت رویه امهال و آسیب‌های ناشی از آن، بانک مرکزی دستورالعمل اجرایی نحوه مطالبات مؤسسات اعتباری را در مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ تدوین نموده است. به گزارش متولیان امر از مهم‌ترین ویژگی‌های دستورالعمل مذکور می‌توان به مواردی نظیر تعریف امهال و انواع روش‌های امهال مطالبات، تدوین سازوکارهای امهال مطالبات به تفکیک عقود مشارکتی و غیرمشارکتی، تعیین حداکثر زمان امهال مطالبات، تعیین مبنای امهال مطالبات، درج احکام

مرتبط با شرایط مشتری در امهال مطالبات، درج احکام مرتبط با هر یک از انواع روش‌های امهال مطالبات، تشریح سازوکارهای طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری مطالبات امهالی، تبیین فرایند شناسایی درآمد مطالبات امهالی و همچنین ممنوع بودن اخذ سود یا وجه التزام از محل وجه التزام تأخیر تأدیه دین اشاره نمود. لازم است ذکر شود که این دستورالعمل از ابتدای سال ۱۳۹۹ لازم‌الاجرا می‌باشد.

۲۲۵

از اهم ایراداتی که برای این دستورالعمل می‌توان متصور بود عبارت است از:

در امهال قرارداد مبتنی بر عقود مشارکتی از طریق تمدید قرارداد فعلی افزایش سود مورد انتظار قرارداد با این اشکال مواجه می‌گردد که سود جدید ناشی از فعالیت اقتصادی واقعی و قرارداد جدید نیست؛ بنابراین دریافت سود اضافه، مشروع و قانونی نخواهد بود؛ زیرا بر اساس فقه معاملات، سود باید در چهارچوب فضای کسب‌وکار و به صورت واقعی محقق گردد؛ حال آنکه در موضوع مورد بحث به عنوان روش امهال، مشتری در مقابل افزایش بدهی و دریافت سود بیشتر پشتوانه فعالیت اقتصادی واقعی ندارد و این امر شبهه ربای جاهلی را متصور خواهد ساخت؛ به عبارت دیگر در این روش بانک بدون ارزیابی قراردادهای کلی طرح و بدون محاسبه سهم هریک از طرفین، صرفاً به تجمیع اصل تسهیلات اعطایی سابق و سود مورد انتظار به طرح وجه التزام پرداخته و سپس آن را به عنوان سهم‌الشرکه بانک لحاظ کرده است و برای دوره تمدید سود مورد انتظار جدید لحاظ می‌کند؛ درحالی که هیچ مبلغی دادوستد نمی‌شود (مواد ۱۴ و ۱۵ دستورالعمل).

با استفاده از روش قرارداد اجاره به شرط تملیک نیز بانکداری اسلامی می‌تواند جهت تسویه بدهی‌های معوق آنها یکی از دارایی‌های بنگاه را به صورت نقد خریداری کرده و با احتساب سود بانکی به صورت اجاره به شرط تملیک به خود بنگاه واگذار کند. بنگاه می‌تواند از محل قیمت نقدی دارایی بدهی‌های معوق خود را به بانک تسویه نماید؛ لذا استفاده از این قرارداد افزون بر هزینه تشریفات اجرایی و ثبتی عقد که در بسیاری از موارد نیاز به ثبت در دفتر اسناد رسمی است به جهت ممنوعیت استفاده از آن در اموالی که طول عمر مفید آنها کمتر از دو سال باشد با محدودیت مواجه است. همچنین این مسئله که انتقال مالکیت عین مستأجره به مستأجر باید در پایان مدت قرارداد و با پرداخت آخرین قسط اجاره‌بها صورت گیرد موجب کاهش انگیزه بنگاه‌های اقتصادی است.

طرح دوفوریتی تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام مشتمل بر ماده واحده و ۹ بند و یک تبصره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ به تصویب این مجمع رسید. به موجب این مصوبه چنانچه تسهیلات گیرندگانی که تمام یا بخشی از بدهی سررسیدشده خود را تا پایان سال ۱۳۹۷ پرداخت نکرده‌اند، بخواهند بدهی غیرجاری خود را تسویه نمایند، بدهی آنان به ترتیب مقرر در این مصوبه محاسبه می‌شود. مبلغی که تسهیلات گیرنده باید برای استفاده از مزایای این قانون به صورت نقدی به بانک مؤسسه اعتباری پردازد، عبارت است از: مانده اصل و سود قبل و بعد از سررسید (تاریخ تسویه نقدی) که با استفاده از فرمول ابلاغی بانک مرکزی بر اساس نرخ سود ساده و غیرمرکب مندرج در «قرارداد ملاک محاسبه» با حذف کلیه جرائم متعلقه و سودهای ناشی از آن و با در نظر گرفتن پرداخت‌های مشتری و زمان پرداخت‌های وی محاسبه می‌شود؛ بنابراین اصل تسهیلات به انضمام سود آن ملاک اصلی می‌باشد که سود باید به روش غیرمرکب محاسبه و تعیین گردد.

لازم است ذکر شود که نمی‌توان کل امهال‌های بانکی را به موجب این مصوبه با یک حکم مورد قضاوت قرار داد و باطل نمود و ثانیاً اگر بر فرض ادعای طراحان این طرح، سود مرکب با امهال اتفاق افتاده باشد، مصوبه مذکور بیشتر به نفع افرادی است که تسهیلات آنها در شبکه بانکی چندین بار امهال و یا به نوعی تجمیع و تقسیط شده و بانک عامل سود و وجه التزام را با یکدیگر جمع و در قالبی جدید به او پرداخت نموده که این امر سبب ایجاد ربح مرکب و تورم غیرقانونی بدهی فرد بدهکار شده است. البته سود و وجه التزام به سود پس از سررسید تعلق نمی‌گیرد. یکی از نکات مهم این مصوبه تعیین سقف تسهیلات برای افراد حقیقی پانصد میلیون تومان و برای اشخاص حقوقی دو میلیارد تومان می‌باشد که این ابهام وجود داشت که اگر تسهیلات فرد حقیقی پانصد و یک میلیون تومان و شخص حقوقی دو میلیارد و دویست تومان بود اساساً مشمول این مصوبه نخواهد شد یا فقط نسبت به قسمت مازاد مشمول آن نمی‌شود؟ ولی با این وصف بانک مرکزی در تبصره ۲ ماده ۷ دستورالعمل تصریح کرده که اگر بدهی بیش از حدود تعیین شده در این ماده باشد قرارداد مزبور مشمول مفاد دستورالعمل نخواهد شد.

ابهام دیگر اینکه اگر فردی به چند بانک و مؤسسه بدهی داشته باشد تا سقف این رقم مشمول این دستورالعمل خواهد شد؟ که در پاسخ تبصره ۷ ماده مذکور تصریح کرده است که این مبلغ برای اشخاص حقیقی و حقوقی در سطح مجموع مبالغ اصل قراردادهای ملاک محاسبه خواهد بود؛ به این معنی که اگر فردی از چند بانک تسهیلات اخذ نموده باشد جمع قراردادهای ملاک محاسبه باید تا سقف تعیین شده باشد و بیش از این رقم مشمول این مقررات نخواهد بود و نیز با توجه به اینکه این مصوبه مختص تولیدکنندگان در بخش‌های کشاورزی، شکار و جنگلداری و شیلات، صنعت، معدن، ساختمان و تأمین برق، آب و گاز با هدف ایجاد توسعه، تأمین سرمایه در گردش و تغییرات طبقه‌بندی شده است، لذا قسمت عمده‌ای از سایر بخش‌ها از جمله بخش بازرگانی و غیره را شامل نمی‌شود که این محدودیت عملاً امری است که دایره وسیعی از مطالبات غیرجاری بانکی را از شمول خارج و در باب آن تعیین تکلیف صورت نگرفته است.

۲. شیوه‌های اجرایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

علاوه بر راهکارهای ابلاغی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای ایجاد تسهیل در روند وصول مطالبات غیرجاری و از سوی دیگر مساعدت با استفاده‌کنندگان از تسهیلات اقدام به طرح راهکارهایی چون تقسیط بدهی معوقه، مشارکت مدنی احیا، جعاله احیا و مشارکت کاهنده و غیره می‌نمایند. همان‌طور که گفته شد، در دستورالعمل اجرایی مطالبات مؤسسات اعتباری عقود به مشارکتی و غیرمشارکتی تقسیم شده و ضابطه امهال مبتنی بر این عقود تبیین و تصریح شده است.

مطابق این دستورالعمل مؤسسه اعتباری می‌تواند به درخواست مشتری برای یک‌بار قابل تمدید، مطالباتی را که تمام یا بخشی از آن غیرجاری شده است، برای یک‌بار و حداکثر به مدت پنج سال امهال نماید.

به موجب مواد ۱۹ تا ۲۱ این دستورالعمل امهال مطالبات ناشی از عقود مشارکتی از طریق تمدید قرارداد، قبل و پس از سررسید قرارداد امکان‌پذیر می‌باشد و نیز در قراردادهای مبتنی بر عقود غیرمشارکتی، امهال مطالبات از طریق تقسیط مجدد، تجدید و تبدیل قرارداد صورت می‌پذیرد.

همچنین به موجب مواد ۲۲ الی ۲۹ این دستورالعمل امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقد فروش اقساطی، عقد اجاره به شرط تملیک، عقد مرابحه (کالایی و خدماتی)، عقد خرید دین، عقد جعاله، عقد سلف و نیز امهال مطالبات ناشی از ارائه خدمات و انجام سایر فعالیت‌ها و وقوع رویدادها از طریق تبدیل قرارداد به عقود اجاره به شرط تملیک، سلف و خرید دین مجاز است.

لازم است ذکر شود که با توجه به مالکیت بانک به موضوع مال مورد بیع چندان چالشی در تجدید و تبدیل مطالبات ناشی از آن متصور نیست؛ ولی می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره نمود:

۱. در مطالبات بخش‌های اقتصادی غیرتولیدی از جمله خدمات چگونه می‌توان از عقد سلف استفاده کرد؟

۲. برای مشتری که با بحران مالی مواجه شده است تحمیل هزینه‌های الزامی در عقد اجاره به شرط تملیک به ایشان کارکرد آن را محدود خواهد کرد.

۳. با عنایت به لزوم بررسی کارشناسی در خصوص احراز توان مشتری در ایفای تعهدات امهالی، رعایت الزام انطباق مدت قرارداد اجاره به شرط تملیک با طول عمر مفید مورد اجاره قدرت مانور بانک را کاهش داده و استفاده از این عقد را در برخی موارد غیرممکن خواهد ساخت.

۴. مشتریانی که چندین سال با بحران مالی و یا فقدان بازار فروش محصول یا خدمات مواجه بوده‌اند عملاً فاقد اسناد تجاری می‌باشند و بهره‌مندی آنان از عقد خرید دین را متفی می‌نماید؛ لذا الزام به استفاده از عقود خاص کارآمدی ابزارهای تجدید و تبدیل را در مطالبات ناشی از فروش اقساطی را کاهش خواهد داد.

وفق ماده ۲۵ با عنایت به اینکه تعهدات اعطایی خرید دین خود منبعث از فعالیت اقتصادی دیگر بوده است استفاده از کلیه عقود از جمله عقود یادشده میسر می‌باشد و نیز به موجب ماده ۲۶ موارد مطروحه در مواد قبلی برای مطالبات ناشی از عقود جعاله نیز صادق است لیکن با عنایت به اینکه بیشترین استفاده از این عقد در تسهیلات جعاله تعمیر مسکن می‌باشد، بنابراین بخش اعظم استفاده‌کنندگان از تسهیلات جعاله تعمیر مسکن حائز شرایط و یا توان

امهال از طریق عقود اجاره به شرط تملیک و همچنین عقود سلف و خرید دین نمی‌باشند و در واقع قادر به بهره‌مندی از ابزار تبدیل نخواهند بود.

وفق ماده ۲۸ و ۲۹ نیز با توجه به اینکه مطالبات ناشی از عقد سلف به معنای اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی بوده است، امکان بهره‌مندی از عقود اجاره به شرط تملیک و خرید دین وجود دارد؛ ولی به نظر می‌رسد می‌توان به تولیدکننده بودن مدیون اکتفا کرد و محدودیت استفاده از عقود مشخص شده را کنار گذاشت. به نظر می‌رسد منظور دستورالعمل ارائه تسهیلات در بخش خدمات بوده است که عملاً عقد سلف را از دایره شمول ابزارهای تبدیل خارج و عقد اجاره به شرط تملیک را نامحتمل می‌نماید. در غیر این صورت ضرورت داشت مطالبات ناشی از ارائه خدمات و انجام سایر فعالیت‌ها و وقوع رویدادها تشریح و توضیح داده شود.

این دستورالعمل به دلایل زیر جذابیت انجام فرایند امهال از طریق ابزارهای تجدید و تبدیل کم‌رنگ شده و انگیزه کافی برای بانک‌ها در اعمال مساعدت کاهش یافته است:

۱. تعیین سرفصل‌های امهالی برای قراردادهای جدید (ماده ۳۳) که به معنای عدم امکان کاهش ذخایر می‌باشد. از طرف دیگر ثبت این اقلام در صورت‌های مالی در ارزیابی عملکرد واحدهای اجرایی فاقد جنبه انگیزشی برای بانک‌ها خواهد بود.

۲. به صورت یک‌جانبه به مدیون ارفاق شده است؛ به عبارت دیگر بانک‌ها به شرح مواد فوق چندان منتفع نخواهند شد؛ درحالی‌که مشتری پس از پرداخت پیش‌پرداخت و تا زمان طی فرایند بازپرداخت اقساط امهالی از اعمال محدودیت‌های ماده ۱۱ - برای بدحسابان - معاف خواهد شد (وفق ماده ۳۶).

۳. پیوندادن قرارداد جدید به قرارداد مطالباتی قبلی سبب خواهد شد در صورت عدم ایفای مدیون به مفاد توافق‌نامه امهال، بانک در استمرار و پیگیری مجدد اقدامات حقوقی خود با چالش‌های اجرایی و مالی زیادی مواجه شود که در دستورالعمل نحوه عمل بایستی با لحاظ منافع بانک تبیین می‌گردید.

۴. وفق ماده ۳ فصل اول دستورالعمل، اعتبارسنجی - که بخشی از آن مبتنی بر بررسی کارشناسی در خصوص حصول اطمینان از برگشت بدهی و پرداخت به‌موقع اقساط امهالی

بر اساس قطعیت توان بازپرداخت مدیون است - به عنوان یکی از الزامات امهال از جمله تجدید و تبدیل می‌باشد.

این امر به علت تعدد قراردادهای مطالباتی علاوه بر تحمیل فشار کاری کارشناسان اعتباری بانک‌ها هزینه قابل توجهی برای بانک‌ها در پی خواهد داشت و با فلسفه وجودی اعمال مساعدت با مشتریان غیرمقصر که با بحران مالی مواجه شده‌اند در تضاد می‌باشد. (مشتری اگر توان کافی در بازپرداخت بدهی داشت که به طریق غیرجاری منتقل نمی‌گردید)؛ لذا تعیین سقف مدت، نوع عقود برای امهال، دارابودن کلیه شرایط تصریح شده در دستورالعمل اعتباری بانک مرکزی برای اعطای تسهیلات بایستی برای مدیونین غیرمقصر که به علت مشکلات حادث شده در فضای کسب و کار کشور در سنوات اخیر موفق به ایفای تعهدات خود در قبال بانک نگردیده‌اند، لحاظ نشود و اختیار تعیین تکلیف مطالبات از طریق ابزارهای تجدید و تبدیل بدون اعمال محدودیت‌های فوق‌الذکر به بانک‌ها تفویض شود تا وفق شرایط هر پرونده و هر مشتری تصمیم اتخاذ گردد.

۵. برای تجدید و یا تبدیل قراردادهای مطالباتی ناشی اعطای تسهیلات از محل اعتبارات و تسهیلات تکلیفی که دارای تضمین و تعهد دولت می‌باشند، هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده و تعیین تکلیف این بخش از مطالبات بانک‌ها را با چالش مواجه خواهد نمود.

۶. در دستورالعمل بانک مرکزی تأکید شده است در صورت تجدید و تبدیل بایستی سود اقساط سررسید نشده از بدهی مدیون کسر شود. همچنین به علت عدم شفافیت در تعریف کل بدهی در تعیین لزوم اخذ حداقل ۲۰ درصد از کل بدهی برای جابه‌جایی طبقات عملاً نحوه کسر سود اقساط سررسید نشده را در ابهام قرار داده است؛ چون مشخص نشده است مقصود از کل بدهی چیست؟

۷. با توجه به اینکه در اغلب موارد وجه التزام و خسارت تأخیر مشمول مرور زمان شده و تبدیل به مبالغ گزافی می‌گردد، به استناد جمله آخر ماده ۶ این دستورالعمل خسارت تأخیر را نباید امهال نمود، بلکه باید تعیین تکلیف نمود. تبصره ذیل همین ماده اذعان می‌دارد بانک می‌تواند خسارت را اول دوره امهال و یا به صورت تدریجی تسهیم به نسبت دریافت کند که این عمل امهال نبوده بلکه تعیین تکلیف است؛ حال آنکه خسارت تأخیر امهال ندارد؛ پس نمی‌توان گفت خسارت تأخیر مشمول واژه مطالبات امهالی نمی‌شود. پس عبارت «کل بدهی»

یعنی اصل و سود قرارداد جاری که امهال می‌شود. این تعریف شامل هر چهار حالت تمدید، تقسیط مجدد، تجدید و تبدیل می‌شود. به عنوان نکته کلیدی باید گفت طبق ماده ۶ فوق اول باید خسارت را تعیین تکلیف کرده بعد اصل و سود را امهال نمود. موارد فوق بنا بر اذعان دکتر موسویان عضو شورای فقهی بانک مرکزی هیچ مغایرتی با فقه و قوانین جاری ندارد.* لازم است ذکر شود، بانک‌ها تاکنون به واسطه عدم ابلاغ دستورالعمل حسابداری امهال، آن را اجرایی نکرده‌اند و کسر سود اقساط سررسید نشده در ماده ۵ دستورالعمل بانک مرکزی بیان شده و بخش سررسید نشده اقساط را با کسر سود آتی قابل امهال دانسته و به نظر درست است؛ ولی اخذ ۲۰ درصد کل مطالبات در عمل مشکل خواهد بود و باید با نظر هیئت مدیره هر بانک قابل تعدیل اعلام شود.

آسیب‌شناسی ایجاد مطالبات غیرجاری و امهال دین

امروزه بخش اعظمی از معاملات بانکی به صورت معاملات مدت‌دار می‌باشد. این معاملات همگام با تحولات اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای از جمله عدم پرداخت دیون و بدهی‌ها در سررسید آن مواجه است. از همین جهت برخی از استفاده‌کنندگان تسهیلات بانکی به دلایلی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند در سررسید معین شده، بدهی خود را بپردازند و این امر منجر به آسیب‌های جدی و گسترش روزافزون مطالبات غیرجاری در نظام بانکی شده است.

چنانچه مشتریان بانک نتوانند به تعهدات خود در بازپرداخت تسهیلات عمل کنند و یا از پرداخت تسهیلات نکول نمایند، بانک را با این ریسک مواجه خواهند کرد. این ریسک تنها به نکول مشتریان از بازپرداخت تسهیلات محدود نشده و تأخیر در بازپرداخت تسهیلات نیز می‌تواند منجر به ریسک اعتباری در بانک‌ها شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱). بر این اساس مطالبات بانکی می‌تواند زیان‌های فراوانی را برای سیستم بانکی در نتیجه سیستم مالی کشور به دنبال داشته باشد. از جمله این مشکلات می‌توان به بلوکه شدن بخش بزرگی از منابع بانکی، کاهش دفعات گردش مطالبات و افزایش دوره وصول مطالبات، کاهش توانایی

*. برای اطلاعات بیشتر رک به: «میزگرد آسیب‌شناسی بخشنامه جدید بانک مرکزی درباره امهال مطالبات بانک‌ها و وام‌های معوق» (روزنامه جام جم، ۱۰ آذر ۱۳۹۸، ش ۵۵۳۸، قابل دسترس در تارنما به آدرس زیر: <http://jamejamdaily.ir/newspaper/page/5538/3/48334/0>).

پاسخ‌گویی به مشتریان و نیز اتلاف منابع واحدهای ذی‌ربط بانکی اشاره کرد؛ لذا وسعت حجم مطالبات غیرجاری نیازمند آسیب‌شناسی علل بروز آن است که در این مبحث به شرح آن پرداخته خواهد شد.

۱. علل ایجاد مطالبات غیرجاری

علل افزایش مطالبات معوق در یک تقسیم‌بندی مرسوم به علل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم می‌شود. «علل درون‌سازمانی عبارت‌اند از: نبود سیستم مناسب ارزیابی و اعتبارسنجی، نبود سیستم الکترونیکی حسابرسی و بازرسی، اختیارات بیش‌ازحد رئیس و معاون شعبه، در برخی از موارد ضعف کیفی فرایند و مراحل بررسی پرونده در شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، عدم نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات توسط بانک‌های عامل؛ و عوامل برون‌سازمانی عبارت‌اند از: تصمیم‌گیری‌ها و قوانین و رویه اجرایی دولت، مجلس، قوه قضاییه و تمامی سازمان‌ها و نهادهایی که به هر دلیلی با نظام بانکی سروکار دارند، فاصله نرخ سود بانکی از بهره بازار، نرخ ارز و نوسانات آن، ساختار اقتصاد دولتی و نگاه دستوری به بخش اعتباری، عدم ثبات سیاست‌های مالی و پولی و تغییرات مکرر قوانین و مقررات» (عزیزنژاد، ۱۳۹۲، ص ۸۷-۸۸).

همچنین کوتاه‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در پیگیری به‌موقع و جدی مطالبات بانکی از جمله علل ایجاد مطالبات غیرجاری است؛ زیرا بعضاً، راهکار وجه التزام از جهت روش کار به گونه‌ای طراحی شده است که معمولاً بانک‌ها و مؤسسات اعتباری انگیزه زیادی نسبت به پیگیری و وصول مطالبات ندارند. یک بانکدار در پرونده‌های خاصی که وثایق آنها ملک بوده و ارزش ملک بیشتر از تسهیلات و اعتبارات می‌باشد، به این نتیجه می‌رسد که اگر تسهیلات به‌موقع وصول شود در قالب تسهیلات جدیدی به همان فرد و یا شخصی دیگر با نرخ سود معینی واگذار می‌شود؛ درحالی‌که اگر وصول نشود نرخ بازدهی آن معادل نرخ سود به اضافه ۶ درصد است و این ظاهراً به نفع بانک است. در نتیجه مشاهده می‌شود برخی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به قدری در وصول مطالبات کوتاه‌های می‌کنند تا اصل سود و جرائم تسهیلات به اندازه ارزش وثیقه شود. در این زمان به خاطر نگرانی از نکول به تملک و فروش وثایق اقدام می‌کنند.

یکی دیگر از دلایل ایجاد مطالبات غیرجاری که در سال‌های اخیر نیز بیش‌ازپیش تجلی پیدا کرده است، الزام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به پرداخت تسهیلات تکلیفی توسط دولت است؛ چراکه در این مسیر دولت کمترین اطلاعات را در مورد اینکه کدام پروژه‌ها در واقع بهینه و بهره‌ور است، داشته و همین امر منجر به تخصیص تسهیلات به بنگاه‌ها و پروژه‌هایی با کارکرد نامطلوب شده و وام‌های کلان تبدیل به مطالبات غیرجاری گشته و عملاً امکان وصول مطالبات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در این بنگاه‌ها و پروژه‌ها به جهت مشکلات عدیده‌ای (کارگری، مالیاتی، اجتماعی و ...) مقدور نمی‌باشد.

توضیح آنکه، تسهیلات تکلیفی به تسهیلاتی گفته می‌شود که وفق قوانین بودجه سنواتی و یا تصویب‌نامه‌های هیئت دولت برای بانک‌ها به عنوان تکلیف در نظر گرفته شده یا می‌شوند که این تکلیف عموماً دارای ضمانت دولتی است که به صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود تسهیلات در صورت مشکوک‌الوصول بودن توسط دولت صورت می‌پذیرد. این تسهیلات بعضاً دارای تعهد دولت از جمله تعهد در پرداخت یارانه سود تحت عنوان پرداخت مابه‌التفاوت سود قراردادی با سود ترجیحی نیز می‌باشند؛ برای نمونه تسهیلات اشتغال‌زایی سفرهای مقام معظم رهبری، اعطای تسهیلات جهت بازسازی مناطق سیل‌زده، زلزله‌زده و سایر حوادث غیرمترقبه در طول سنوات مختلف، وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج و تهیه جهیزیه، تبصره ۲ برنامه بودجه سال ۱۳۸۴، تبصره ۳ برنامه بودجه سنوات ۷۲ لغایت ۸۴ - با هدف اشتغال‌زایی و حمایت از واحدهای تولیدی - تبصره ۱۵ سنوات ۸۱ لغایت ۸۳ و سایر موارد مطروحه را می‌توان نام برد.

همچنین امهال تکلیفی عموماً در خصوص تعویق در وصول مطالبات بانک‌ها از واحدهای تولیدی و یا خسارت‌دیدگان از حوادث غیرمترقبه به صورت عمومی که بر اساس مصوبات هیئت دولت پیش‌بینی می‌شود و یا به صورت موردی (اشخاص حقیقی و یا حقوقی) بر اساس مصوبات ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، مصوبات شورای عالی اشتغال و سرمایه‌گذاری کشور و یا کارگروه‌های اشتغال و سرمایه‌گذاری استانی انجام می‌پذیرد. امهال تکلیفی را در سال‌های اخیر به موجب ماده ۲۸ قانون بودجه ۱۳۹۰، بند ۲۹ قانون بودجه ۱۳۹۱، بند «د» تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۴، بند «و» تبصره ۱۳ قانون بودجه سال

۱۳۹۵، بند «ج» ماده ۳۳ قانون برنامه ششم توسعه کشور شاهد بوده‌ایم و اخیراً نیز برخی صنوف خسارت‌دیده از شیوع کرونا مشمول این نوع از امهال شده‌اند.

شایان ذکر است بار مالی امهال یعنی سودی که در دوران امهال به تسهیلات تعلق می‌گیرد توسط دولت تعهد و تقبل می‌گردد، اما جرائم تأخیر مورد بخشودگی از سوی بانک‌ها قرار می‌گیرد.

۲. عدم توجه به ظرفیت‌های حقوقی عقود جایگزین

در نظام بانکداری بدون ربا، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از طریق عقود اسلامی اقدام به توزیع منابع می‌کنند. در واقع بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تسهیلات مورد تقاضای مشتریان را در چهارچوب معاملات و قراردادهای اسلامی تنظیم و عرضه می‌دارند. در همین جهت مراجع قانونی با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی بستر کاربست این عقود را فراهم می‌آورند.

یکی از عقود که در فرایند امهال از آن استفاده می‌شود عقود مشارکتی است؛ بدین نحو که فرایند اعطای تسهیلات به طرح‌ها در قالب دو عقد انجام می‌شود: در ابتدا مشارکت و سپس تبدیل مشارکت به فروش اقساطی؛ بانک پس از اتمام دوره مشارکت سهم خود را به مشتری واگذار می‌نماید؛ درحالی‌که مشتری سود واقعی پروژه را به بانک پرداخت نکرده است. از سوی دیگر اگر مشتری از تبدیل عقد مشارکت مدنی به فروش اقساطی خودداری کند، بانک عملاً در مواردی که قرارداد فاقد وثیقه رهنی باشد، برای وصول مطالبات خود از مشتری با دشواری‌های عدیده‌ای مواجه خواهد بود. همچنین سود بسیار متزلزل و منوط به تحقق است. اگر سود تحقق پیدا نکند بانک طلبی ندارد؛ از سویی دیگر، ضامن، اصل سرمایه بانک را تضمین کرده و تضمینی بابت فرع آن وجود ندارد و عملاً نیز امکان اخذ وثایق خارج از طرح وجود ندارد (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

همچنین محققان معتقدند: «راهکارهایی چون تقسیط، مشارکت مدنی احیا و جعاله احیا که در نظام بانکی برای امهال مطالبات غیرجاری مورد استفاده‌اند، دارای چالش شرعی جدی چون شبهه ربای جاهلی هستند یا با ضوابط اختصاصی عقود انطباق ندارند» (موسویان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹).

نهاد حقوقی خرید دین، یکی دیگر از عقود کهن اسلامی بوده که در نظام بانکداری بدون ربا نیز استفاده می‌شود. این نهاد نیز در بین فقها با اختلاف نظر مواجه است؛ اما آنجا که گروهی از فقها قائل به صحت خرید دین به صورت مطلق‌اند، در نظام بانکداری می‌توان از این نظریه استفاده کرد و از این عقد اسلامی در حقوق بانکی به صورت اجرایی بهره برد. (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۵)؛ اما این امر در فرایند قضایی مورد توجه قرار نگرفته و بعضاً تفسیرهای گوناگون سبب ابطال این قرارداد می‌شود.

در نظر نگرفتن ظرفیت‌های حقوقی و پیامدهای قضایی عقود در مسیر امهال، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه مشکلاتی از قبیل عدم قصد واقعی و در نتیجه صوری بودن عقود را به عملیات بانکی اضافه می‌کند؛ چراکه عقود و قالب‌های در نظر گرفته شده اغلب با قصد واقعی صورت نمی‌گیرد و یا همواره این شبهه وجود دارد که از این عقود برای معاملات ربوی استفاده شده و این امر منجر به بطلان عملیات بانکی می‌شود.

یکی دیگر از چالش‌های جدی که نظام بانکداری با آن مواجه است، بحث صوری بودن تسهیلات جدید برای تسویه دیون سابق است. این ایراد در محاکم قضایی قراردادهای بانکی را با خطر ابطال مواجه می‌سازد. برخی از محققان معتقدند که مجرای ممنوعیت صوری بودن قراردادها بخشنامه شماره ۳۸۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۰۹/۱۱ بانک مرکزی می‌باشد (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵)؛ لازم به توضیح است این بخشنامه در مقام عدم اعطای تسهیلات به واحدهای دارای بدهی معوق از محل بنگاه‌های زودبازده است و نمی‌توان این بخشنامه را به سایر موارد تعمیم و تسری داد. همچنین این بخشنامه به لزوم مشخص بودن موضوع تسهیلات تأکید دارد و به درستی بیان می‌نماید که نمی‌توان موضوع تسهیلات جدید را بازپرداخت بدهی معوق مشتریان عنوان نمود؛ لذا اگر بانک یا مؤسسه اعتباری چنین اقدامی انجام دهد، تسهیلات دوم فاقد موضوع مشخص بوده و اساساً باطل است؛ دیگر اینکه در صورتی که بانک‌ها تسهیلات جدیدی را با موضوع مشخص مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد و با استفاده از عقود مانند خرید دین، سلف و اجاره به شرط تملیک اعطا کرده و سپس از محل منابع تسهیلات جدید، بدهی سابق مشتری را تهاتر و تسویه نمایند، موضوعی قانونی می‌باشد؛ چراکه تبصره ماده ۳۱ دستورالعمل امهال مطالبات مصوب شهریور ۹۸ شورای پول و اعتبار به این موضوع جنبه قانونی اعطا نموده است که در همین راستا رئیس محترم قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

طی بخشنامه شماره ۶۷۷۰۱/۱۰۰ به مراجع قضایی کشور اعلام داشته‌اند: «قراردادهای تسهیلات بانکی که اغلب در قالب عقود مشارکتی و غیرمشارکتی می‌باشد و همچنین تصمیمات و مصوبات شورای پول و اعتبار در ارتباط با تسهیلات مذکور آمده بوده و تخطی از آن جایز نیست؛ بنابراین قراردادهای مذکور تا حدودی که مغایرتی با مقررات بانکی نداشته باشد، معتبر بوده و بیش از آن قابل ترتیب اثر در محاکم قضایی نیست؛ بنابراین دادگاه‌ها در نحوه محاسبه سود جریمه ناشی از تأخیر، مقررات مذکور را مدنظر قرار داده و از صدور حکم مازاد بر مصوبات بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار خودداری نمایند». در صورتی که بخشنامه جنبه آمره نداشته باشد، صرفاً مسئولیت انتظامی برای عوامل و مسئولان ذی‌ربط در پی خواهد داشت؛ لذا به نظر می‌رسد در صورت اجرای دستورالعمل اجرایی امهال توسط بانک‌ها به جهت شفافیت و قانونی‌بودن اقدام بانک‌ها و رفع بسیاری از ابهامات و اقدامات بانک‌ها در خصوص شیوه محاسبه سود، مانده بدهی و غیره جلوی طرح بسیاری از دعاوی مربوطه در این خصوص گرفته خواهد شد و محاکم نیز در رسیدگی و صدور حکم در این دعاوی با مشکل مواجه نخواهند بود.

۳. عدم تخصص‌گرایی مراجع قضایی و تشتت احکام

از جمله ویژگی‌های مهم حقوق بانکی تخصصی‌بودن آن است؛ توضیح آنکه هریک از اعمال و قراردادهای بانکی دربرگیرنده موضوعات و عناوینی است که صرفاً افراد متخصص اشراف کامل بر ابعاد موضوعات آن دارند. به همین سبب تخصصی‌بودن مراجع رسیدگی‌کننده به این دعاوی امری انکارناپذیر و شایسته توجهی ویژه می‌باشد؛ اما متأسفانه در دعاوی بانکی علی‌رغم نیازهای اساسی که در این مسیر وجود دارد، شعبه تخصصی برای رسیدگی به قراردادهای بانکی و نیز حل اختلافات بانک‌ها و طرف‌های قرارداد آنها وجود ندارد. همین امر موجب می‌شود در موارد زیادی قضات به دلیل فقدان اطلاعات کافی از قوانین و مقررات بانکی اقدام به تفسیر به رأی و تمسک به قواعد عمومی قراردادها نموده و با خطا در برداشت از این اصول تصمیماتی مغایر با قوانین نظام بانکداری و در پی آن تضییع حقوق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و البته خسران نظام اقتصادی را منجر گردند. این در حالی است که آیین‌نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ در این خصوص تعیین

تکلیف کرده است که این آیین‌نامه پیرو ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با لحاظ ماده ۲۵ همان قانون به تصویب رسیده است.

همچنین، به لحاظ فقدان قانون و مقررات صریح و اجرایی در خصوص امهال بدهی مشتریان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و نیز تعدد بخشنامه‌های غیراجرایی متأسفانه هریک از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مبادرت به اتخاذ شیوه و روش‌های متفاوتی جهت امهال بدهی مشتریان نموده که بعضاً بدون رعایت ضوابط و مقررات بانک مرکزی در نحوه محاسبه نرخ سود و میزان مانده بدهی مشتریان بوده است؛ برای مثال در زمان امهال بدهی عقود مشارکتی به ماهیت و ذات این عقود توجهی ننموده‌اند؛ بدین نحو که از یک طرف مشارکت را تمدید و از طرفی سود دوران را نیز اخذ می‌نمایند؛ یعنی قبل از تحقق موضوع مشارکت و واگذاری سهم‌الشرکه در قالب فروش اقساطی مبادرت به محاسبه سود نموده و از اصل و سود خسارت تأخیر تأدیه محاسبه و مجدداً همان مبلغ را به عنوان اصل در قالب تسهیلات جدید با نرخ سود مشخص اعمال می‌نمایند؛ لذا به دلیل این خلأ بسیاری از مدیونین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ترغیب یا ناگزیر به طرح دعاوی متعدد نزد محاکم قضایی می‌گردند و امروزه درصد بسیار بالایی از پرونده‌های مطروحه در محاکم قضایی را تشکیل می‌دهند؛ لذا به جهت اهمیت ابعاد حقوقی موضوع اهم ادعاها و ایرادات مطروحه در قالب خواسته در دعاوی مطروحه همچنین مدافعات نظام بانکی در پاسخ به این‌گونه دعاوی به صورت اجمالی تشریح و تبیین می‌گردد.

اهم ادعاها و خواسته‌های مشتریان (خواهان‌های پرونده):

۱. اعلام ابطال قرارداد بانکی به جهت مخالفت با قانون و نظم عمومی؛
۲. اعلام ابطال قرارداد بانکی به جهت نامشروع بودن قصد طرفین؛
۳. اعلام ابطال قرارداد بانکی به جهت صوری بودن قرارداد تسهیلات پرداختی به دلیل پرداخت وجه جهت تسویه تسهیلات قبلی؛

۴. تعیین میزان مانده بدهی بر اساس مقررات قانونی (مصوبات شورای پول و اعتبار و بخشنامه‌های بانک مرکزی)؛ از جمله ماده ۲۰ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی و ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا که بانک‌ها را ملزم نموده از تمامی دستورالعمل‌ها و مصوبات بانک مرکزی تبعیت نمایند. همچنین بخشنامه شماره ۲۸۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۰۹/۱۱ بانک مرکزی

دال بر ممنوعیت اعطای تسهیلات جدید به منظور تسویه دیون سابق و اعمال بخشنامه تسهیم بالنسبه مبالغ پرداختی مشتریان در سه جزء بدهی (اصل، سود و خسارت تأخیر تأدیه).

حال آنکه بانکها و مؤسسات اعتباری در مقام دفاع از حقوق خود در پاسخ به ادعاهای مطروحه عنوان می‌نمایند که انعقاد قرارداد جدید تحت عنوان امهال یا اعطای تسهیلات دوباره و غیره در راستای مساعدت به مشتریان و به منظور فراهم‌ساختن پرداخت بدهی بنا به تقاضای مکتوب خود مشتری بود؛ لذا حقوق و تعهدات اشخاص در برابر یکدیگر ناشی از اراده خود آنهاست. در اعمال حقوقی به‌ویژه در قراردادها این اراده به‌طور قاطع کارآمد است؛ به عبارتی اعمال ارادی همیشه عادلانه است و هیچ متعهدی نمی‌تواند ادعا کند که برخلاف عدالت به کاری ملزم شده است؛ زیرا آنچه به وجود آمده است خواسته خود اوست و به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی که مشعر به اصل آزادی قراردادهاست و توجه به مفاد ماده ۲۱۹ و ۲۲۳ قانون مدنی قراردادهای منعقد و اجد اعتبار قانونی می‌باشند.

در پاسخ مشتریان و وکلای آنها در مقام دفاع معتقدند سه اصل بسیار مهم (صحت، لزوم و آزادی قراردادها) تا آنجا از عقود و قراردادها حمایت می‌کند که عقود منطبق با قانون واقع شده باشد و مغایرتی با نص قانون نداشته باشند؛ لذا رسمیت بخشیدن به چنین قراردادهایی که خلاف قانون و شرع و به تعبیر قانون مدنی اخلاق حسنه و نظم عمومی است، برخلاف ماده ۹۷۵ همین قانون است که مقرر می‌دارد: «محکمه نمی‌تواند ... قراردادهایی را که مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به‌موقع اجرا گذارد؛ اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز می‌باشد».

همچنین اصطلاح متمم یا قرارداد الحاقی را در بهترین حالت می‌توان مصداق توافق خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی یا عقد صلح دانست؛ لذا به اذعان حقوقدانان ماده ۱۰ قانون مدنی چیزی فراتر از صلح در اختیار مردم قرار نمی‌دهد و فرقی میان آن دو وجود ندارد. بنا بر نص ماده ۷۶۵ قانون مدنی و درهرحال حتی اگر ماده ۱۰ قانون مدنی چیزی غیر از عقد صلح باشد که با ملاک عرفی، عقلایی و اصولی مفاد ماده ۷۶۵ قانون مدنی نیز قابل اعمال است.

همچنین بانکها و مؤسسات اعتباری معتقدند موضوع قراردادهای مرتبط با امهال بدهی ماهیتاً تبدیل تعهد بوده و با انعقاد قرارداد جدید تبدیل تعهد واقع و قراردادهای سابق اعتبار

خود را از دست می‌دهند؛ یا به عبارتی دیگر توافق جدید فی مابین طرفین به شرح مبلغ مورد تنازع مآلاً تبدیل تعهد است و آنچه انجام شده با مقوله تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل منشأ دین و سبب آن منطبق است؛ لذا در راستای تبدیل تعهد بانک، مطالبات گذشته خود را با هر منشأ که به قراردادهای گذشته مربوط است ساقط تلقی کرده و نسبت به تسویه آنها اقدام نموده و قدر مسلم اینکه در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل منشأ و سبب دین، حق یا مال یا طلب موضوع رابطه حقوقی گذشته، موضوع رابطه حقوقی جدید قرار گرفته است.

بنابراین موضوع تبدیل تعهد و جانشینی تعهدات ناشی از توافقات جدید را مانع از ورود به پرونده‌ها و قراردادهای سابق می‌دانند و بر اساس بند ۱ ماده ۲۹۲ قانون مدنی و به جهت تراضی مبتنی بر انعقاد قرارداد جدید تبدیل تعهد حادث و ذمه مدیونین نسبت به قرارداد قبلی بری و از بابت قراردادهای لاحق در قبال بانک مشغول گردیده‌اند.

مشکل اساسی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در تبدیل تعهد مربوط به سقوط تضمینات تعهد سابق است؛ چراکه در تبدیل تعهد چون تعهد سابق از بین می‌رود و ساقط می‌شود، مطابق ماده ۲۹۳ تضمینات تعهد مزبور که جنبه تبعی و فرعی نسبت به آن دارد نیز از بین می‌رود و به تعهد لاحق که حادث می‌شود تعلق نخواهد گرفت؛ زیرا فرع تابع اصل است؛ مثلاً هرگاه تعهد سابق قرارداد قبلی وثیقه ملکی متعلق به ثالث داشته باشد و یا ضامن راضی به امهال مطالبات نباشد، علی‌رغم تصریح به تعلق و وجود تضمینات سابق به تعهد جدید بانک‌ها با مشکل مواجه می‌گردند.

قضات شعب رسیدگی‌کننده به دعاوی مزبور که اصولاً تخصص لازم در رسیدگی به موضوعات بانکی به جهت تعدد مستندات و شیوه‌نامه‌های مربوط در ارتباط با نحوه محاسبه سود، خسارت تأخیر تأدیه، سود پس از سررسید به صورت ساده و مرکب و غیره را ندارند، ناگزیر مبادرت به ارجاع پرونده به کارشناسان رسمی دادگستری و استعلام موضوع از بانک مرکزی می‌نمایند. متأسفانه بعضاً در برخی از پرونده‌های قضایی مشاهده می‌گردد که کارشناسان رسمی دادگستری نیز به جهت تغییر مستمر مقررات و شیوه‌نامه‌ها تسهیلات تکلیفی در تشخیص موضوع با مشکل مواجه می‌گردند؛ لذا به دلایل مذکور در رویه قضایی آرای متعدد و بعضاً متناقضی مبنی بر ابطال قراردادهای بانکی خصوصاً قراردادهای امهال صادر می‌گردد.

لازم است ذکر شود با تصویب شورای فقهی بانک مرکزی، مشکل شرعی استفاده از «عقد مشارکت مدنی» برای «امهال مطالبات بانکی» برطرف شده و بانکها می‌توانند با رعایت شرایط لازم از این عقد استفاده نمایند. دکتر موسویان عضو این شورا در پی استفتاء برخی از کارشناسان بانکی اذعان داشته‌اند یکی از کاربردهای مشارکت مدنی پرداخت بدهی‌های بنگاه اقتصادی می‌باشد؛ به این بیان که در عرف بازار و در طول تمدن اسلامی یکی از اهداف پذیرش شریک این بود که بنگاه‌دار از محل واگذاری بخشی از بنگاه، پول به دست آورده و بدهی‌های بنگاه را بپردازد. با تصویب قریب‌الوقوع این موضوع در شورای پول و اعتبار، بخش زیادی از مشکلات موجود بانکها و بدهکاران آنها برطرف می‌شود. باید توجه داشت که صرف اعطای تسهیلات مشارکت برای تسویه دیون سابق بدون اینکه زمینه‌ای برای اعطای تسهیلات وجود داشته و مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد باشد، همچنان اشکال شرعی و قانونی خواهد داشت.*

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

۱. در عرف نظام بانکداری مطالبات معوق یا غیرجاری به آن دسته از مطالباتی گفته می‌شود که از عدم پرداخت اصل و سود و یا اقساط آن در سررسید بیش از ۲ ماه گذشته و شامل مطالبات سررسید گذشته معوق و مشکوک‌الوصول می‌باشد.
۲. علل افزایش مطالبات معوق در یک تقسیم‌بندی مرسوم به علل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم می‌شود. علل درون‌سازمانی عبارت‌اند از: نبود سیستم مناسب ارزیابی و اعتبارسنجی، نبود سیستم الکترونیکی حسابداری و بازرسی و ...؛ و عوامل برون‌سازمانی عبارت‌اند از: تصمیم‌گیری‌ها و قوانین و رویه اجرایی دولت، مجلس، قوه قضاییه و تمامی سازمان‌ها و نهادهایی که به هر دلیلی با نظام بانکی سروکار دارند، فاصله نرخ سود بانکی از بهره بازار، نرخ ارز و نوسانات آن، ساختار اقتصاد دولتی و نگاه دستوری به بخش اعتباری،

*. برای اطلاعات بیشتر رک به: پایگاه خبری ایرنا، ۱۸ خرداد ۱۳۹۸، به آدرس تاریخها:

عدم ثبات سیاست‌های مالی و پولی و تغییرات مکرر قوانین و مقررات و نیز الزام بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تکلیفی توسط دولت بدون نگاه کارشناسی به بهره‌ور بودن پروژه.

۳. تا پیش از سال ۱۳۹۱ بحث امهال مطالبات مسکوت مانده بود. سرانجام بانک مرکزی اقدام به صدور بخشنامه‌ای کرد که به موجب آن فقط از عقود «خرید دین»، «سلف» و «اجاره به شرط تملیک» به عنوان عقود امهالی استفاده می‌شد؛ بنابراین، بدهکاران بانکی که بدهی‌شان سررسید شده بود، اگر اسناد تجاری داشتند از طریق خرید دین و در صورتی که محصولات تولیدی داشتند از طریق سلف و اگر ملک داشتند از طریق اجاره به شرط تملیک می‌توانستند بدهی خود را از طریق عقود اسلامی امهال کنند. این امر در عمل سبب شد شیوه‌های صحیح امهالی توسط بانک‌ها اجرا نشده و تشتت آرا و شیوه اقدام بین بانک‌ها ایجاد شود. از همین جهت طرح دوفوریتی تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری که توسط بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ تصویب گردید، به عنوان آخرین اراده نظام بانکداری از جمله قوانین و مقررات نظام بانکداری در زمینه امهال مطالبات غیرجاری می‌باشد که وفق بخشنامه رئیس قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ به مراجع قضایی این قوانین و سایر تصمیمات و مصوبات شورای پول و اعتبار در ارتباط با تسهیلات مذکور آمره بوده و تخطی از آن برای مراجع قضایی جایز نیست. ضمن اقدامات شایسته‌ای که در مسیر تصویب این مقررات صورت گرفته است، اما ابهاماتی را نیز در بر دارد؛ به‌طور مثال در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام بی‌اعتبار دانستن قراردادهای منعقد بعد از قرارداد اولیه تالی فاسد دارد؛ بنابراین اگر هدف قانونگذار جلوگیری از محاسبه سود مرکب یا محاسبه سود از سود یا جریمه است، می‌تواند قراردادهای امهال بعدی را بی‌اعتبار بداند؛ ولی از آنجایی که مشتری در پرداخت بدهی خود تأخیر کرده است بایستی خسارت تأخیر در پرداخت بدهی برای وی محاسبه شود و این حکم نیز نوعی تبعیض نارواست. همچنین، تعیین سقف ۵۰۰ میلیون تومان برای اشخاص حقیقی و ۲ میلیارد تومان برای اشخاص حقوقی و نیز محدود کردن این مقررات به تسهیلات ضمن تبعیض ناروا بخش وسیعی از معضل مطالبات غیرجاری در سایر بخش‌ها را پاسخگو نخواهد بود. همچنین، با توجه به اینکه در این مصوبه عوامل و فاکتورهای شکلی که بنگاه‌های تولیدی به آن دچار شده‌اند و دارای بدهی سررسید گذشته گردیده‌اند،

مشخص نمی‌باشد و بر این اساس بنگاه‌های تولیدی که لزوماً دچار مشکل نشده و به هر دلیلی از جمله عدم تمایل به بازپرداخت بدهی دارای بدهی سررسید شده می‌باشند، خود را محق شمول بندهای تکلیفی این مصوبه دانسته و منجر به تبعیض ناروا بین مشتریان خوش حساب و بدحساب و تشویق ضمنی به تزییع حقوق بانک‌ها می‌گردد.

۴. در حال حاضر یکی دیگر از چالش‌های جدی که نظام بانکداری با آن مواجه است بحث صوری بودن تسهیلات جدید برای تسویه دیون سابق است. این ایراد در محاکم قضایی قراردادهای بانکی را با خطر ابطال مواجه می‌سازد؛ از این رو بانک مرکزی در راستای شفاف‌سازی امهال مطالبات و نظام‌مند نمودن فرایند امهال مطالبات غیرجاری و نیز برون‌رفت از چالش‌های اجرایی و تشتت رویه امهال و آسیب‌های ناشی از آن، دستورالعمل اجرایی نحوه مطالبات مؤسسات اعتباری را در مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ تدوین نموده است که به نظر می‌رسد در صورت اجرای دستورالعمل اجرایی امهال توسط بانک‌ها به جهت شفافیت و قانونی بودن اقدام بانک‌ها و رفع بسیاری از ابهامات و اقدامات بانک‌ها در خصوص شیوه محاسبه سود، مانده بدهی و غیره جلوی طرح بسیاری از دعاوی مربوطه در این خصوص گرفته خواهد شد و محاکم نیز در رسیدگی و صدور حکم در این دعاوی با مشکل مواجه نخواهند بود و نیز بحث عدم امکان امهال وجه التزام همراه با دریافت سود و اینکه باید وجه التزام مرکب از سود پس از سررسید و ۶ درصد جریمه یا نقدی دریافت شود و یا بدون سود تقسیط شود که یکی از معضلات جدی بانک‌ها می‌باشد.

بدین ترتیب، برای برون‌رفت از موارد برشمرده فوق و نیز وصول مطالبات معوق بانکی باید از روش‌های گوناگونی استفاده کرد که سبب متحول شدن نظام بانکی کشور و بازگشت وجوه معوق به نظام پولی کشور گردد؛ به عبارت دیگر راهکارهایی در زمینه وصول مطالبات بانکی وجود دارد که البته در مواردی نیز به پیشگیری از به وجود آمدن مطالبات معوق بانکی می‌انجامد؛ بنابراین در یک نگاه کلی راهکارهای برون‌رفت از این چالش را می‌توان به سازوکارهای اجرایی که بیشتر جنبه پیشگیری از مطالبات معوق دارد و نیز سازوکارهای حقوقی و تقنینی که در واقع در راستای بهینه‌سازی امهال مطالبات غیرجاری است، تقسیم نمود. اصلاح قوانین و بخشنامه‌های پولی و بانکی از جمله راهکارهای کارآمد به نظر می‌رسد. همچنین کلیه متون قراردادهای موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد بازنگری قرار

گرفته تا اولاً ضمن اصلاح مواردی که موجب اختلاف مشتریان با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌گردد، از جمله نحوه محاسبه نرخ سود، وجه التزام و غیره که مبنای دعاوی مطروحه می‌باشد، اساساً مرتفع گردد؛ ثانیاً متناسب با مفاد دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری کلیه موضوعات حقوقی و غیره در قراردادها لحاظ گردد.

همچنین از باب ایجاد رویه واحد در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و جلوگیری از تغییر مسائل در موضوعات فنی و حقوقی با اخذ نظرات حقوقی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری متون متحدالشکل مشابه متون قراردادهای بانکی تهیه و پس از تصویب در شورای پول و اعتبار از طریق بانک مرکزی به شبکه بانکی ابلاغ گردد. با این اقدام آزادی عمل بانک‌ها در تغییر موضوعات فنی و حقوقی محدود می‌گردد؛ برای مثال یک بانک ضمانت اجرای عدم به موقع ایفای تعهدات قراردادی را در قراردادهای مورد امهال فسخ و در قرارداد تصریح می‌نماید، درحالی‌که بانک یا مؤسسه اعتباری دیگر انفساخ قهری قرارداد (منفسخ شدن قرارداد) را که نیازمند هیچ‌گونه اقدام قانونی خاص نمی‌باشد در متون قراردادی خود درج می‌نماید. در صورت اقدام به شرح مذکور مهم‌ترین خصیصه قراردادهای بانکی که همان وصف لازم‌الاجرا بودن - به استناد ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و غیره - نسبت به قراردادهای متعاقب (امهالی) است، نیز تسری پیدا می‌کند و حداقل اینکه بسیاری از ایرادات وارده به این‌گونه قراردادها مرتفع می‌گردد.

همچنین در صورت تصویب نهایی طرح بانکداری اسلامی در مراجع ذیصلاح قانونی و در راستای اجرای مفاد این طرح قانونی از جمله مواد ۱۰۷ و ۱۲۳ ضروری است که پس از تعیین چهارچوب عقود مورد تأیید شورای فقهی در هریک از عقود موضوع امهال طی ماده‌ای تصریح و تبیین گردد تا از این طریق علی‌رغم داشتن وصف لازم‌الاجرا نسبت به این‌گونه قراردادها، کلیه ملاحظات قانونی در ارتباط با تسهیلات تکلیفی و غیرتکلیفی نیز لحاظ گردد.

منابع و مأخذ

۱. باقری، محمود و همکاران؛ «پیشگیری از ورشکستگی بانک‌ها»؛ دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق

قضایی، ش ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۵.

۲. حاجیان، محمدرضا؛ موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰.
۳. حیدری، آیت‌الله؛ «بررسی روش‌های امهال بدهی معوق مشتریان در بانکداری بدون ربا»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده علوم اسلامی، قم: دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۵.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه، ۱۳۷۳.
۵. شهنازی، روح‌الله و مجتبی پناهی؛ «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز»؛ اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۶، ۱۳۹۵.
۶. صمصامی، حسین و همکاران؛ «بررسی امکان تحقق مطالبات معوق در بانکداری بدون ربا»؛ معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۲، ۱۳۹۶.
۷. عزیزنژاد، صمد؛ «دلایل افزایش مطالبات معوق بانکی ایران»؛ اقتصاد تحلیلی، ش ۲۳۷، ۱۳۹۲.
۸. لنگرودی، محمدجعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۹۳.
۹. محقق داماد، سیدمصطفی و همکاران؛ «خرید دین در نظام بانکداری اسلامی»؛ آموزه‌های فقه مدنی، ش ۱۳، ۱۳۹۵.
۱۰. موسویان، سیدعباس و فرشته ملاکریمی؛ «تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۶، ش ۶۴، ۱۳۹۵.
۱۱. موسویان، سیدعباس؛ «ظرفیت عقود جهت امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی بدون ربا»؛ بیست و هشتمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۲. میسمی، حسین؛ «الگوهای مختلف اجرای بانکداری اسلامی؛ مقایسه تجربه ایران با سایر کشورها»؛ فصلنامه تازه‌های اقتصاد، س ۱۱، ش ۱۴۴، زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴.